



بازتعریف نقش ایران در نظم آینده و ضرورت اعمال اصلاحات ساختاری مرتبط با آن

مانیفست تحول اقتصادی

گزارش

درهم‌تنیدگی‌های اقتصادی و سیاسی، ۲۰۰ افزایش تولید منابع ارزی و ایجاد «مازاد» در راستای هزینه‌کرد در زمینه توسعه زیرساخت و پیشرفت، ۳-۲۰۰ ایجاد ساختار تسویه با شرکای راهبردی.

براین اساس می‌توان گفت خنثی‌سازی تحریم تنها از طریق بازتعریف نقش ایران در

آینده

امکان پذیر منظور از نظم آینده، تحولاتی است که با سرعت زیاد در سطح جهانی در حال رخ دادن است. در یک جهان تکه‌تکه شده پدیده‌هایی نظیر تحریم، پلتفرم‌های مالی و بانکی، و بانکی‌های ارزش جهانی و منطقه‌ای و... شمایی کاملاً متفاوت از شرایط فعلی خواهند داشت (قدرت بلوک غرب برای اعمال تحریم کاهش یافته و می‌یابد) و همین امر بازتعریف نقش در عرصه بین‌الملل را به امری میسر و در دسترس برای ایران تبدیل کرده است.

دال مرکزی و افق حرکت در راستای بازتعریف نقش ایران در نظم آینده را می‌توان به شرح زیر توصیف کرد: افزایش قدرت ایران از طریق نقش آفرینی در کمربندهای اقتصادی و زنجیره‌های ارزش، در اینجا منظور راهکارهای خاصی با فرامرز نیست بلکه در راهبرد بدیل، تصمیم ایران برای ورود به کمربندها، برنامه و بودجه‌دید که تمرکز خود را بر تخصیص منابع ریالی به دستگاه‌ها و مناطق جغرافیایی کشور معطوف کرده است.

ب. تشدید دیوان سالاری محدودکننده: مسأله مهم دیگر سیاستگذار اقتصادی در دوره زیست نفتی، تشدید دیوان سالاری محدودکننده بوده است. وفور درآمدهای نفتی و در دسترس بودن ارزهای باکیفیت باعث شده بود مطالبات گسترده‌ای در فضای سیاسی کشور ایجاد شود، از این رو تشدید دیوان سالاری محدودکننده و اتخاذ رویکرد انقباض محوری، یکی از دستاوردهای جدی مقام مسئولان در دوره زیست نفتی بوده است؛ نودتوزده نهاد و تراجم آن، هیچ‌کاره بودن اجزای بوروکراتیک در پیشبرد اهداف و همه‌کاره بودن در مانع‌تراشی، جزو ویژگی‌های اساسی یک دیوان سالاری محدودکننده است.

در شرایط حاکم بودن زیست نفتی، ایالات متحده از طریق تحریم‌های حداکثری اعم از تحریم صادرات نفت، تحریم نظام بانکی خصوصاً بانک مرکزی ایران و تحریم‌های لجستیکی توانست خلل‌های جدی در نقش سابق ایران ایجاد کند.

فراتحلیل نشان می‌دهد سه چالش اساسی از ناحیه تحریم بر ایران وارد شده است: ۱- نقش سیاسی، امنیتی و اقتصادی سابق ایران تغییر کرده است. ۲- منابع ارزی به اصطلاح «مازاد» (منابعی که مازاد بر هزینه‌های جاری کشور بود و معمولاً برای توسعه زیرساخت‌ها و پیشرفت کشور هزینه می‌شد) بشدت کاهش یافته است. ۳- دسترسی اقتصاد ایران به ارز جهان‌روا محدود شده است. در نتیجه خنثی‌سازی تحریم صرفاً از طریق راهبردی میسر است که به سه چالش زیر به صورت همزمان پاسخ دهد. ۱- ایجاد



اعم از تأمین کالاها، اعم از تأمین کامل ریسک سیاسی و مالی مرتبط با سرمایه‌گذاری خارجی، واردات کالاها، سرمایه‌های واسطه‌ای مرتبط با تولید، تأمین ارز خارجی در راستای مدیریت بازار ارز داخلی و... در آن زیست، منابع حاصل از صادرات نفت، اولاً ذخایر ارزی بالایی در اختیار اقتصاد ایران قرار می‌داد، ثانیاً یک پشتوانه مالی قابل توجه بود که از قبل آن هر گونه ریسک سیاسی پوشش داده می‌شد و سرمایه‌گذاران خارجی بدون نگرانی از ریسک‌های سیاسی و اقتصادی در ایران سرمایه‌گذاری می‌کردند. مشخصاً در این دوره از اقتصاد ایران خدمات مرتبط با لجستیک و کشتیرانی تأمین می‌شد، در بانک‌های اصلی اروپایی حساب افتتاح شده و به نفع اشخاص حقیقی و حقوقی ایرانی ترانکش آزادانه صورت می‌گرفت، کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای مورد نیاز تولید و ایضاً غذا و دارو وارد کشور می‌شد، ارز مورد نیاز برای مدیریت بازار ارز داخلی تأمین می‌شد و...

تسوع جغرافیایی مقاصد صادراتی نفت ایران (اعم از چین، ژاپن، کره جنوبی، ایتالیا، اسپانیا و یونان) در دوره قبل از تحریم نقش آفرینی در کمربندهای اقتصادی و زنجیره‌های ارزش، در اینجا منظور راهکارهای خاصی با فرامرز نیست بلکه در راهبرد بدیل، تصمیم ایران برای ورود به کمربندها، برنامه و بودجه‌دید که تمرکز خود را بر تخصیص منابع ریالی به دستگاه‌ها و مناطق جغرافیایی کشور معطوف کرده است.

ب. تشدید دیوان سالاری محدودکننده: مسأله مهم دیگر سیاستگذار اقتصادی در دوره زیست نفتی، تشدید دیوان سالاری محدودکننده بوده است. وفور درآمدهای نفتی و در دسترس بودن ارزهای باکیفیت باعث شده بود مطالبات گسترده‌ای در فضای سیاسی کشور ایجاد شود، از این رو تشدید دیوان سالاری محدودکننده و اتخاذ رویکرد انقباض محوری، یکی از دستاوردهای جدی مقام مسئولان در دوره زیست نفتی بوده است؛ نودتوزده نهاد و تراجم آن، هیچ‌کاره بودن اجزای بوروکراتیک در پیشبرد اهداف و همه‌کاره بودن در مانع‌تراشی، جزو ویژگی‌های اساسی یک دیوان سالاری محدودکننده است.

دال مرکزی و افق حرکت در راستای بازتعریف نقش ایران در نظم آینده را می‌توان به شرح زیر توصیف کرد: افزایش قدرت ایران از طریق نقش آفرینی در کمربندهای اقتصادی و زنجیره‌های ارزش، در اینجا منظور راهکارهای خاصی با فرامرز نیست بلکه در راهبرد بدیل، تصمیم ایران برای ورود به کمربندها، برنامه و بودجه‌دید که تمرکز خود را بر تخصیص منابع ریالی به دستگاه‌ها و مناطق جغرافیایی کشور معطوف کرده است. ۲- منابع ارزی به اصطلاح «مازاد» (منابعی که مازاد بر هزینه‌های جاری کشور بود و معمولاً برای توسعه زیرساخت‌ها و پیشرفت کشور هزینه می‌شد) نودتوزده نهاد و تراجم آن، هیچ‌کاره بودن اجزای بوروکراتیک در پیشبرد اهداف و همه‌کاره بودن در مانع‌تراشی، جزو ویژگی‌های اساسی یک دیوان سالاری محدودکننده است.

تسوع جغرافیایی مقاصد صادراتی نفت ایران (اعم از چین، ژاپن، کره جنوبی، ایتالیا، اسپانیا و یونان) در دوره قبل از تحریم نقش آفرینی در کمربندهای اقتصادی و زنجیره‌های ارزش، در اینجا منظور راهکارهای خاصی با فرامرز نیست بلکه در راهبرد بدیل، تصمیم ایران برای ورود به کمربندها، برنامه و بودجه‌دید که تمرکز خود را بر تخصیص منابع ریالی به دستگاه‌ها و مناطق جغرافیایی کشور معطوف کرده است. ۲- منابع ارزی به اصطلاح «مازاد» (منابعی که مازاد بر هزینه‌های جاری کشور بود و معمولاً برای توسعه زیرساخت‌ها و پیشرفت کشور هزینه می‌شد) نودتوزده نهاد و تراجم آن، هیچ‌کاره بودن اجزای بوروکراتیک در پیشبرد اهداف و همه‌کاره بودن در مانع‌تراشی، جزو ویژگی‌های اساسی یک دیوان سالاری محدودکننده است.

همچنین در این سازمان‌دهی سیاست خارجی صرفاً مصرف‌کننده منابع ارزی است و شناسایی و استفاده از فرصت‌های تولید منابع ارزی در خارج از مرزها در حاشیه است.

نکته دیگر آنکه خروجی بلافصل رویکرد تخصیص محوری، چیزی جز بخشی‌نگری دستگاهی نخواهد بود. یعنی در شرایطی که تولید منبع، وظیفه محوری وزارت نفت تلقی شود، تخصیص نیز به عنوان کارویژه سازمان برنامه و بودجه تعریف شود آنگاه دستگاه‌ها و استان‌های کشور در موقعیت مصرف‌کنندگی صرف منابع قرار خواهند گرفت. در چنین نگاهت نهادی، کنش ایزوله و منفرد دستگاهی در جهت دریافت حداکثری منابع امری طبیعی و اجتناب‌ناپذیر خواهد بود.

۲-۲ تشدید دیوان سالاری محدودکننده مسأله مهم دیگر سیاستگذار اقتصادی در دوره زیست نفتی، تشدید دیوان سالاری محدودکننده بوده است. وفور درآمدهای نفتی و در دسترس بودن ارزهای باکیفیت، باعث شده بود مطالبات گسترده‌ای اعم از تعریف تعداد زیادی از پروژه‌های زیرساختی، افزایش استخدام کارکنان، بارگذاری صنایع کوچک و بزرگ در مناطق مختلف و بدون مطالعات پشتیبان و... در فضای سیاسی کشور ایجاد شود؛ از این رو، تشدید دیوان سالاری محدودکننده و اتخاذ رویکرد انقباض محور، یکی از دستاوردهای جدی مقام سیاستگذار در دوره زیست نفتی بوده است؛ اساساً آژمه رویکرد «تخصیص محوری» چیزی جز تلاش برای ایجاد و تقویت دیوان سالاری محدودکننده و جلوگیری‌کننده از بروز بیماری هلندی و همچنین کنترل مطالبات کنشگران سیاسی نیست و نخواهد بود. نودتوزده نهادی و تراجم آن، هیچ‌کاره بودن اجزای بوروکراتیک در پیشبرد اهداف و همه‌کاره بودن در مانع‌تراشی، جزء ویژگی‌های اساسی یک دیوان سالاری محدودکننده است.

۳ راهبرد دقیق مقابله با تحریم؛ جانمایی جدید ایران در نظم آینده در این بخش بیان خواهد شد که خنثی‌سازی تحریم تنها از طریق بازتعریف نقش و جانمایی جدید ایران در نظم آینده امکان‌پذیر است. در ادامه ابتدا مقدمه‌ای در مورد نظم در حال گذار جهانی بیان می‌شود و پس از آن توضیحات کامل‌تری در مورد راهبرد جانمایی جدید بیان می‌شود.

۱-۳ نظم آینده؛ تحولات و رویدادهای تعیین‌کننده دنیای فعلی آستان حوادث و رویدادهای متعددی است. تا چند سال پیش سخن گفتن از «خنثی‌سازی تحریم از طریق بازتعریف نقش ایران» امری دور از ذهن به نظر می‌رسید. اما رویدادهایی نظیر تقابل فزاینده اقتصادی چین و آمریکا و همچنین جنگ میان روسیه و اوکراین، تأییدکننده شکل‌گیری یک جهان تکه‌تکه شده است. توضیح اینکه با شروع جنگ روسیه و اوکراین، تحلیل‌هایی که بر وجود و تداوم یک جهان تکه‌تکه شده [۱] صحت می‌گذاشت بیش از پیش معتبر شد.

در شرایط حاضر، دو نگاه عمده میان صاحب‌نظران وجود دارد: اول، نگاه‌های است که شکاف جهانی ایجاد شده را ادامه‌دار تلقی کرده و معتقد است جنگ روسیه و اوکراین نمود روندی است که از چندین سال پیش آغاز شده و اینک به مرحله درگیری نظامی کشیده شده و همچنان ادامه‌دار خواهد بود؛ نگاه دوم بر این باور است که تخاصم میان روسیه و غرب و همچنین درگیری کریدوری میان چین و روسیه، به‌زودی در نقطه‌ای به پایان خواهد رسید و نظم جدیدی تعاملات راهبردی و تخاصمات مدیریت شده شکل خواهد گرفت. اندیشمندان متعددی طرفدار نگاه اول هستند و معتقدند شاکف ایجاد شده همچنان ادامه‌دار بوده و در ادامه تشدید نیز خواهد شد. این روایت و این زاویه نگاه، دلالت‌های مهمی برای ایران خواهد داشت. در جهان تکه‌تکه‌شده، پدیده‌هایی نظیر تحریم، پلت‌فرم‌های مالی و بانکی، زنجیره‌های ارزش جهانی



مهم‌ترین ویژگی کلان‌معامله سابق ایران، شکل‌گیری نظم روابط خارجی کشور بر مبنای ارز باکیفیت نفتی بود؛ منظور از ارز باکیفیت نفتی، ژاپن، هند و بخشی از کشورهای اروپایی نظیر ایتالیا، یونان، اسپانیا و...

نتیجه صادرات نفت به کره جنوبی، ژاپن، هند و بخشی از کشورهای اروپایی نظیر ایتالیا، یونان، اسپانیا و...

داخلی در دوره زیست نفتی مهم‌ترین ویژگی کلان‌معامله سابق ایران، شکل‌گیری نظم روابط خارجی کشور بر مبنای ارز باکیفیت نفتی بود؛ منظور از ارز باکیفیت نفتی، ژاپن، هند و بخشی از کشورهای اروپایی نظیر ایتالیا، یونان، اسپانیا و...

نتیجه صادرات نفت به کره جنوبی، ژاپن، هند و بخشی از کشورهای اروپایی نظیر ایتالیا، یونان، اسپانیا و...

تسوع جغرافیایی مقاصد صادراتی نفت ایران (اعم از چین، ژاپن، کره جنوبی، ایتالیا، اسپانیا و یونان) در دوره قبل از تحریم نقش آفرینی در کمربندهای اقتصادی و زنجیره‌های ارزش، در اینجا منظور راهکارهای خاصی با فرامرز نیست بلکه در راهبرد بدیل، تصمیم ایران برای ورود به کمربندها، برنامه و بودجه‌دید که تمرکز خود را بر تخصیص منابع ریالی به دستگاه‌ها و مناطق جغرافیایی کشور معطوف کرده است.

ب. تشدید دیوان سالاری محدودکننده: مسأله مهم دیگر سیاستگذار اقتصادی در دوره زیست نفتی، تشدید دیوان سالاری محدودکننده بوده است. وفور درآمدهای نفتی و در دسترس بودن ارزهای باکیفیت باعث شده بود مطالبات گسترده‌ای در فضای سیاسی کشور ایجاد شود، از این رو تشدید دیوان سالاری محدودکننده و اتخاذ رویکرد انقباض محوری، یکی از دستاوردهای جدی مقام مسئولان در دوره زیست نفتی بوده است؛ نودتوزده نهاد و تراجم آن، هیچ‌کاره بودن اجزای بوروکراتیک در پیشبرد اهداف و همه‌کاره بودن در مانع‌تراشی، جزو ویژگی‌های اساسی یک دیوان سالاری محدودکننده است.

دال مرکزی و افق حرکت در راستای بازتعریف نقش ایران در نظم آینده را می‌توان به شرح زیر توصیف کرد: افزایش قدرت ایران از طریق نقش آفرینی در کمربندهای اقتصادی و زنجیره‌های ارزش، در اینجا منظور راهکارهای خاصی با فرامرز نیست بلکه در راهبرد بدیل، تصمیم ایران برای ورود به کمربندها، برنامه و بودجه‌دید که تمرکز خود را بر تخصیص منابع ریالی به دستگاه‌ها و مناطق جغرافیایی کشور معطوف کرده است.

ب. تشدید دیوان سالاری محدودکننده: مسأله مهم دیگر سیاستگذار اقتصادی در دوره زیست نفتی، تشدید دیوان سالاری محدودکننده بوده است. وفور درآمدهای نفتی و در دسترس بودن ارزهای باکیفیت باعث شده بود مطالبات گسترده‌ای در فضای سیاسی کشور ایجاد شود، از این رو تشدید دیوان سالاری محدودکننده و اتخاذ رویکرد انقباض محوری، یکی از دستاوردهای جدی مقام مسئولان در دوره زیست نفتی بوده است؛ نودتوزده نهاد و تراجم آن، هیچ‌کاره بودن اجزای بوروکراتیک در پیشبرد اهداف و همه‌کاره بودن در مانع‌تراشی، جزو ویژگی‌های اساسی یک دیوان سالاری محدودکننده است.

تسوع جغرافیایی مقاصد صادراتی نفت ایران (اعم از چین، ژاپن، کره جنوبی، ایتالیا، اسپانیا و یونان) در دوره قبل از تحریم نقش آفرینی در کمربندهای اقتصادی و زنجیره‌های ارزش، در اینجا منظور راهکارهای خاصی با فرامرز نیست بلکه در راهبرد بدیل، تصمیم ایران برای ورود به کمربندها، برنامه و بودجه‌دید که تمرکز خود را بر تخصیص منابع ریالی به دستگاه‌ها و مناطق جغرافیایی کشور معطوف کرده است.

ب. تشدید دیوان سالاری محدودکننده: مسأله مهم دیگر سیاستگذار اقتصادی در دوره زیست نفتی، تشدید دیوان سالاری محدودکننده بوده است. وفور درآمدهای نفتی و در دسترس بودن ارزهای باکیفیت باعث شده بود مطالبات گسترده‌ای در فضای سیاسی کشور ایجاد شود، از این رو تشدید دیوان سالاری محدودکننده و اتخاذ رویکرد انقباض محوری، یکی از دستاوردهای جدی مقام مسئولان در دوره زیست نفتی بوده است؛ نودتوزده نهاد و تراجم آن، هیچ‌کاره بودن اجزای بوروکراتیک در پیشبرد اهداف و همه‌کاره بودن در مانع‌تراشی، جزو ویژگی‌های اساسی یک دیوان سالاری محدودکننده است.

دال مرکزی و افق حرکت در راستای بازتعریف نقش ایران در نظم آینده را می‌توان به شرح زیر توصیف کرد: افزایش قدرت ایران از طریق نقش آفرینی در کمربندهای اقتصادی و زنجیره‌های ارزش، در اینجا منظور راهکارهای خاصی با فرامرز نیست بلکه در راهبرد بدیل، تصمیم ایران برای ورود به کمربندها، برنامه و بودجه‌دید که تمرکز خود را بر تخصیص منابع ریالی به دستگاه‌ها و مناطق جغرافیایی کشور معطوف کرده است.

ب. تشدید دیوان سالاری محدودکننده: مسأله مهم دیگر سیاستگذار اقتصادی در دوره زیست نفتی، تشدید دیوان سالاری محدودکننده بوده است. وفور درآمدهای نفتی و در دسترس بودن ارزهای باکیفیت باعث شده بود مطالبات گسترده‌ای در فضای سیاسی کشور ایجاد شود، از این رو تشدید دیوان سالاری محدودکننده و اتخاذ رویکرد انقباض محوری، یکی از دستاوردهای جدی مقام مسئولان در دوره زیست نفتی بوده است؛ نودتوزده نهاد و تراجم آن، هیچ‌کاره بودن اجزای بوروکراتیک در پیشبرد اهداف و همه‌کاره بودن در مانع‌تراشی، جزو ویژگی‌های اساسی یک دیوان سالاری محدودکننده است.

و منطقه‌ای، میزان کارکرد ارز جهان‌روا، حمایت‌گرایی و سیاست‌های صنعتی، تحولات فناورانه و نحوه تسری آن در فضای جهانی، رقابت بر سر دسترسی به مواد اولیه حیاتی و... شکل جدیدی به خود خواهند گرفت.

در چنین جهانی، امکان خنثی‌سازی تحریم از مسیر جانمایی ایران در نظم جهان کاملاً میسر و در دسترس است؛ البته این جانمایی جدید الزامات و اصولی دارد که در بخش‌های آتی به آنها خواهیم پرداخت.

۲-۳ دال مرکزی و افق حرکت در راهبرد مختار مقابله با تحریم خنثی‌سازی تحریم صرفاً از طریق راهبردی میسر است که به سه چالش زیر به صورت همزمان پاسخ دهد. ۱. ایجاد درهم‌تنیدگی‌های اقتصادی-سیاسی؛ ۲. افزایش تولید منابع ارزی و ایجاد «مازاد» برای هزینه‌کرد در زمینه توسعه زیرساخت و پیشرفت؛ ۳. ایجاد ساختار تسویه رسمی با شرکای راهبردی.

دال مرکزی و افق حرکت در راستای بازتعریف نقش ایران در نظم آینده را می‌توان به شرح زیر توصیف کرد: افزایش قدرت ایران از طریق نقش آفرینی در کمربندهای اقتصادی و زنجیره‌های ارزش، به نحوی که از طریق ابتکارات چندلایه و همبست، مناطق هدف فرامرز به جزئی از برنامه توسعه اقتصاد ایران تبدیل شوند. این راهبرد قادر است به صورت همزمان به سه چالش فوق پاسخ دهد. لازم به ذکر است که در اینجا در مورد راهکارهای صرفاً اقتصادی نظیر بهبود تجارت بخش خصوصی با فرامرز صحبت نمی‌کنیم بلکه در راهبرد بدیل، تصمیم ایران نسبت به ورود به کمربندها، خاستگاه تأومان سیاسی-اقتصادی و امنیتی دارد.

۳-۳ گام‌های حرکت به سمت راهبرد مختار تا به حال چهار مسیر برای «مقابله با تحریم» در فضای سیاستگذاری کشور مطرح شده است. این موارد عبارتند از: ۱. رفع حقوقی تحریم و عادی‌سازی روابط اقتصادی، ۲. دور زدن تحریم و صدور مجوزهای موردی، ۳. استفاده از ابزارهایی نظیر پیمان پولی، بانکداری فراساحلی و... ۴. اصلاحات اقتصاد داخلی؛ در اینجا لازم است تأکید شود هیچ‌کدام از موارد

فوق به تنهایی قادر به تحقق «خنثی‌سازی تحریم» نیستند اما زمانی که افق و نقشه راه دست یافتن به تعادل جدید (نقش جدید ایران در عرصه بین‌الملل) مشخص شود هر یک از برداشتهای متعارف چهارگانه، جایگاه خاصی در پازل خنثی‌سازی تحریم به دست خواهند آورد.

راهبرد اساسی در میان‌مدت و بلندمدت با همان افق حرکت، چیزی نیست جز بازتعریف نقش ایران در نظم آینده که دال مرکزی آن به این شرح توضیح داده شد: افزایش قدرت ایران از طریق نقش آفرینی در کمربندهای اقتصادی و زنجیره‌های ارزش؛ اساساً همین راهبرد است که به اقدامات ایران در دوره کوتاه‌مدت و دوره گذار جهت می‌دهد. در بحث بعد، اصلاحات ساختاری جهت نیل به این افق مورد بحث قرار می‌گیرد.

۴ ضرورت اعمال اصلاحات ساختاری در راستای بازتعریف نقش ایران در نظم جدید بین‌الملل متعاقب از دست رفتن کلان‌معامله سابق ایران (همان ابتکار از پیش ایجاد شده که نقش تولید منابع را به دوش می‌کشید و ارز جهان‌روا برای اقتصاد ایران تولید می‌کرد) باید خروج از زیست نفتی در دستور کار سیاستگذار اقتصادی ایران قرار گرفته و مشخصاً مسأله‌های بدیل و متفاوتی در نقطه کانونی تفکر سیاستگذارانه قرار گیرد.

در حال حاضر این نگاه در میان برخی از جریان‌های اندیشه‌ای در کشور مشاهده می‌شود که تصور می‌کنند ایران می‌تواند به نظم و کلان‌معامله سابق خود بازگردد. در صورتی که تجربه توافق هسته‌ای که تالاشی برای تحقق این امر بود، اثبات کرد که بازگشت به کلان‌معامله سابق برای ایران امکان‌پذیر نیست. عمده علت آن رویکرد تهدیدنگر موجود در بلوک غرب در قبال ایران است که مانع هرگونه همکاری منجر به توسعه ایران می‌شود. با این فرض مسائل و اولویتهایی که می‌توانند در کانون توجه سیاستگذاری قرار گیرد عبارتند از:

۱-۴ ادامه در صفحه ۴